

پناهندگان کرد ایرانی، از زندان التاش به جهنم الکرامه!

آنچه که می‌خوانید، داستان و روایت ماجرای نیست که برای فردی اتفاق افتاده باشد این واقعیت زندگی هزاران انسان قربانی و گرفتار دست نظام ظالمانه سرمایه داریست که هرروز زندگیشان مرگیست، مرگی تدریجی.

آنچه مشاهده می‌کنید گوشه ای از زندگی آن انسانهاییست که سال ۱۳۵۹ خورشیدی، جنگ ارتجاعی دو رژیم هار و وحشی ایران و عراق، آنان را از خانه و کاشانه شان برکنند و سرانجام در چهارچوبی گرفتار آمده اند که خود زندانی است به تمام معنا. زندانی که جرم زندانش معلوم نیست و حکم آن از بین رفتن ذره ذره و لحظه به لحظه جسم و روان زندانیان آن است.

این زندان، برای پناهندگان ایرانی بود که سرانجام این بردگان دربند در فرصتی که برایشان فراهم شده بود همچون پرنده ای فراری از قفس پرگشودند تا در پی امید از دست رفته شان بگردند، سرانجام این پرنده های مهاجر در دام شکارچی منحوس گرفتار آمدند و بار دیگر قفس بردگی به خانه و کاشانه آنان تبدیل گشت.

جنگ ارتجاعی و ضدانسانی ایران و عراق جز خسارت و زیان جانی و مالی هیچ چیز دیگر را برای مردم محروم و ستمدیده هر دو کشور ایران و عراق دربر نداشت. آتش این جنگ ویرانگر موجب قربانی شدن صدها هزار انسان گردید. در جریان به راه انداختن این جنگ دهها هزار نفر از مردم مناطق غربی ایران، از زمینها و خانه های خویش کنده شدند و منطقه شان به میدان جنگ تبدیل گشت و آواره خاک عراق شدند که رژیم سابق عراق آنها را در جنوب آن کشور جای داد و اردوگاه التاش را به معنای واقعی به زندانی که دورتادورش را سیم خاردار کشیده بودند برای آوارگان تبدیل ساخت، آنچه در طول این ۲۳ سال بر سر این آوارگان رفته است و زندگی محنت باری که بر آنان تحمیل گشته است از توان این بحث خارج است و شرح و توصیف آن در این نوشته نمی‌گنجد.

البته باید گفت که هر وجدان زنده و آگاهی نباید تاریخ حیات این انسانهای بی‌گناه را از یاد برد و بر ملا ساختن و نمایاندن هرروزه گوشه های از این زندگی و تراژدی واقعی، وظیفه هر انسان انقلابی و آزادیخواه است اما ببینیم وضع کنونی این آوارگان چگونه است و چه سرنوشتی در پیش روی دارند و بدانیم با سقوط و متلاشی شدن رژیم دیکتاتوری عراق و در هم شکستن در و دیوارهای این زندان آیا این آوارگان توانستند نفس راحتی بکشند؟ یا در نهایت و دگربار زندان دیگری برایشان ساخته شد.

همزمان با حمله آمریکا و متحدینش به مردم بلادیده عراق ، این آوارگان ایرانی نیز بار دیگر زندگی و امنیت شان مورد تهدید بیشتر قرار گرفت و به دلیل نامشخص بودن وضع زندگیشان در کشوری مملو از فقر و نداری و از ترس دم و دستگاه جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی بخشی از آنها از جمله کسانی که پیشینه سیاسی داشتند و مداوما احساس خطر می‌کردند به امید گشوده شدن روزنه ای روشن اردوگاه "التاش" را رها کردند و به مکانی به نام "الکرامه" در مرز عراق و اردن روی آوردند. شمار آوارگانی که در بیابانهای برهوت مابین عراق و اردن در نهایت محرومیت و بی‌امکاناتی به سر می‌برند ۱۱۴۱ تن می‌باشند که ۶۰ کودک شیرخوار، ۱۵ زن باردار و ۵۰۰ نوجوان در میان آنان به چشم می‌خورد.

کمپته جوانان کومه له در نامه ای به منظور درج در نشریات کومه له چنین می‌نویسند: آوارگان مرز الکرامه، جزو نخستین قربانیانی بوده اند که در سرتاسر جنگ ویرانگر ایران و عراق مورد تعرض آتش جنگ قرار گرفتند و در مدت زمان بسیار کوتاهی، همه هست و نیست و رنج تمامی سالهای زندگیشان سوخت و به خاکستر بر باد تبدیل گشت عزیزان و جگر گوشه هایشان را از دست دادند و کانون گرم خانواده شان از هم گسسته شد. بدین ترتیب این انسانها با کمترین امکانات به همراه کاروانی بزرگ از همسرنوشتان خود و با درد و اندوه و زخمی عمیق، راهی تاریک و ظلمانی را در پیش گرفتند و در به در و آواره شدند.

اکنون نیز بار دیگر در نهایت ناچاری و بر خلاف میل و خواستمان سرگرم احیای همان تراژدی برای ما هستند. ما در کویری خشک و بی آب، در چادری بدون هیچ وسیله خنک کننده که شبها با استفاده از فانوسی کوچک اندکی روشنایی در آن سوسو می‌زند و در میان گرد و غبار بیابانی خشک و سوزان در حال به سر بردن زندگی ای هستیم که بی‌گمان در شان انسان نبوده و نیست . زنان در صفی طویل در گرمای طاقت فرسای بیابان می‌ایستند تا شاید جرعه ای آب از تانکر مستقر در آنجا نصیبشان گردد. کودکان با لباسهای مندرس، با پاهای برهنه و دستهای پینه بسته و سیمای چروکیده و رنگ باخته شان، گرد و غبار چادرها را به وسیله تفریح و سرگرمیشان تبدیل کرده اند و بدین گونه سرگرم تجربه کردن زندگی گذشتگان خود هستند. در يك کلام می‌شود زندگی این کودکان بی‌گناه را بر اساس این رویدادهای واقعی در کتاب درسی به تصویر کشید و به نسلهای آینده اینرا باز گفت که جنگ و ویرانگری و حرص و ولع خدایان روی زمین، اینچنین انسانها را قربانی می‌کند و طبیعت و انسان و همه جانداران را برای رسیدن به مقاصد و منافع خود ویران و نابود می‌سازد.

مادران با هزار زحمت و رنج فرزندان شیرخوار خود را از مرگ حتمی نجات می‌دهند.

پدران در انتظار آینده فرزندان خویش و نجات آنان از این وضعیت بخرنج و آوارگی و در به دری در گرمای طاقت فرسای تابستان این بیابان، برای دفاع از خواسته هایشان بخش اعظم ساعات روز در تحصن به سر می‌برند، جوانان آواره و با هزاران آرزو و به امید فردایی روشن و آینده ای در شان زندگی انسانی، شب و روز انتظار رهایی و دست یابی به سرنوشتی انسانیند. تا وقتی زندگی این انسانهای آواره و بی سر پناه از نزدیک مشاهده نگردد و تا رخسار پر از رنج و آزار زنان و مردان و کودکان و این کویر خشکیده که همچون محیطی برای زیست بر ما تحمیل کرده اند دیده نشود، تا کودکانی که با هر نفس گرد و غبار بیابان را به درون سینه می‌کشند نظاره نکرد و صدها منظره دیگر از این زندگی مرگبار مشاهده نشود عمق این فاجعه انسانی برملا نمی‌گردد و شاید گفته شود اینان تنها آواره اند و بس. چادرهای کهنه و پاره و پینه بسته که مکان زندگی این انسانهاست، خود درد دیگریست و داستانی دیگر که انسان با نظاره آنها به یاد همه چیز می‌افتد الامکان زندگی انسان در قرن بیست و یکم.

تا کنون سعی و تلاش این آوارگان برای فرستادن آنها به کشوری ثالث ادامه دارد و تحصن دسته جمعی یکی از اقدامات اصلی آنهاست که به آن دست زده اند. اما تا به حال هیچ پاسخ روشنی به درخواست این آوارگان ایرانی داده نشده است، در این رابطه روز ۲۸/۵/۲۰۰۳ سه نماینده از کشورهای سوئد، آمریکا و استرالیا همراه با مقامات اردنی و سازمان ملل متحد، به بحث و تبادل نظر پرداختند تا به قول خودشان راه حلی برای پاسخگویی به نیازهای این آوارگان اتخاذ کنند. سرانجام این راه حل چنین خاتمه یافت که ما را به اردوگاه التاش باز گردانند. یعنی زندان ۲۳ ساله ده ها هزار پناهنده و آواره ایرانی. ما به این اقدام گردن نهادیم و چندین بار خواست بر حق و عادلانه خود را تکرار کردیم. آخرین جوابی که از سوی مقامات اردن دریافت داشتیم این بود: یا برگشتن به اردوگاه التاش یا مورد هدف گلوله سربازان اردنی قرار گرفتن. این آوارگان که در مدت اخیر بطور مداوم در تحصن بسر می‌برند تا کنون در روزهای ۲۶/۴، ۲۸/۵ و ۲۴/۶/۲۰۰۳ از طرف مقامات اردن، آمریکا و UN رسماً به آنها ابلاغ شده است که باید به اردوگاه التاش برگردند.

گذشته از این، در بسیاری اوقات دست به تمهیدات مختلفی می‌زنند، بدین منظور که آوارگان دست از تحصن بردارند و همچنین از نیرویشان بکاهند و از اتحاد آنان جلوگیری بعمل آورند، گفتن اینکه زنان لازم نیست در این گرما در صف شما حضور داشته باشند و بهتر است به چادرها برگردند، یکی از نقشه های دم و دستگاه UN با هدف ایجاد دو دستگی میان پناهندگان و محروم ساختن آنها از

نیروی زنان که همواره شریک تمامی سختیها و مشقات زندگی با مردان همسرنوشتشان هستند می‌باشند.

از طرف دیگر در تلاشند تا اخبار مربوط به تحصن پناهنجویان انعکاس نیابد و ممنوعیت حضور خبرنگاران و گزارشگران در اردوگاه الکرآمه از سوی مقامات اردن در خدمت به چنین اهداف ضد انسانی است.

ضرورت پناهندگان آواره ایرانی در الکرآمه در مرز عراق و اردن مانند همیشه با اتحاد و انسجام صفوف خود و با پای فشردن بر مطالباتشان، به تحصن خود ادامه دهند تا از این طریق بتوانند خواسته هایشان را که تماما انسانی است به UN تحمیل کنند. بیک حزب کمونیست ایران و کومه له مانند همیشه پشتیبان و حامی پناهندگان ایرانی و مدافع پیگیر خواستهها و مطالبات بر حق و عادلانه شما هستند و از این طریق همه سازمانهای سیاسی و بشردوست و انسانهای آزادیخواه را برای پشتیبانی و حمایت از حقوق بر حق و شایسته پناهندگان اردوگاه الکرآمه در مرز عراق - اردن فرا می‌خوانند.

برگرفته از پیشرو ۱۶۹